

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال ششم، شماره‌ی بیست‌ویکم، پاییز ۱۳۹۳، صص ۷۱-۹۵

گفتمان شیعی در منظومه‌ی علی‌نامه

رسول جعفریان*، علی گلریز**

چکیده

علی‌نامه یکی از حماسه‌های دینی - تاریخی نادر قرن پنجم هجری، است که محتوای آن بیان حوادث و رویدادهای تاریخی از خلافت امام علی(ع) تا پایان نبرد صفین است. مطالعه‌ی این اثر نشان می‌دهد که سراینده‌ی آن، علاوه بر گزارش این رویدادها در پی برجسته نمودن باورها و اعتقادات شیعیان می‌باشد. این موضوع با در نظر گرفتن جدال شیعیان و اهل سنت در قرن پنجم، ما را به این پرسش اساسی رهنمون می‌کند که آیا منظومه‌ی علی‌نامه تنها به بیان حوادث و رویدادهای صدر اسلام اکتفا می‌کند، یا در پس روایت خود، به اثبات حقانیت امام علی(ع) و باورهای شیعی نیز چشم داشته است؟ مدعای ما این است که منظومه‌ی علی‌نامه، سعی دارد با توجه به شرایط و زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی قرن پنجم، همزمان با بیان حوادث جمل و صفین، به طرد دیدگاه‌های اهل سنت پرداخته و مفاهیم شیعی را برجسته سازد. این مقاله، براساس نظریه‌ی تحلیل گفتمان لاکلا و موفه فراهم آمده است.

واژه‌های کلیدی: علی‌نامه، تحلیل گفتمان، حقانیت امام علی و تشیع، اهل سنت، عناصر حماسی.

* عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه تهران (ras.jafarian@gmail.com).

** دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه تهران (ali.golriz@yahoo.com).

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۴/۰۵ - تاریخ تأیید: ۹۳/۰۷/۰۹

مقدمه

این نوشتار قصد دارد به شناسایی گفتمان شیعی منظومه‌ی حماسی - دینی علی‌نامه پیردازد. این منظومه که در ۴۸۲ق نگاشته شده با تأکید بر عناصر و مؤلفه‌های شیعی، شکل گرفته است. در واقع دغدغه‌ی اصلی شاعر - که تنها با تخلص او یعنی «ربیع» آشناییم - در کنار بیان حوادث تاریخی و رویدادهای خلافت امام علی(ع)، اثبات حقانیت او و تشیع دوازده‌امامی می‌باشد و بنابر شرایط سیاسی، فرهنگی و اجتماعی قرن پنجم، سعی کرده است تا به هدف خود دست یابد. در قرن پنجم هجری، از جمله گروه‌های فعال که داستان‌های تاریخی و دینی را برای عموم روایت می‌کردند، «مناقیبیان» بودند. این مناقب‌خوانان، شیعیانی بودند که در برابر مبلغان و قصه‌گویان اهل سنت به نام «فضائلیان» قرار داشتند. این موضوع حاکی از رقابت داستان‌گزاران شیعه و مخالفانشان در قرن‌های پنجم و ششم هجری می‌باشد.

دیدگاه‌ها و نظرات متضاد این دو گروه در زمینه‌ی داستان و داستان‌گزاری، در *النقض* نوشته عبدالجلیل قزوینی (۵۰۴-۵۸۵ هجری) که در پاسخ به *فضائح الروافض* نوشته شده به خوبی قابل شناسایی است؛ وی می‌نویسد که اهل سنت، فضائل شیخین و قهرمانان قدیم ایران را می‌گفتند و شیعیان که ذکر داستان‌های پهلوانی قدیم را مکروه می‌داشته‌اند، بیشتر به بیان پهلوانی‌ها و جنگاوری‌های علی بن ابی‌طالب و داستان‌ها و روایات مربوط به اهل بیت و ائمه اکتفا می‌کردند.^۱ از این رو، شاهنامه خوانی و عناصر حماسی و پیش از اسلامی، تأثیری مستقیم بر جو داستان‌گزاری و منظومه‌های این دوره داشته است؛ همچنین عبدالجلیل از کتاب *فضائح الروافض* نقل می‌کند که شیعیان داستان‌های دروغینی درباره‌ی قدرت خارق‌العاده علی بن ابی‌طالب ساخته‌اند. نویسنده سنتی کتاب *فضائح الروافض*، از روایات مبالغه‌آمیز رافضیان در مدح علی(ع) خرده می‌گیرد و اشاره او به داستان‌ها و جنگنامه‌هایی است که در وصف و مدح امیرالمومنین نوشته می‌شد.^۲

۱. عبدالجلیل قزوینی رازی، (۱۳۵۸)، *نقض*، تصحیح جلال‌الدین محدث ارموی، تهران: انجمن آثار ملی، ص ۶۷ - ۶۵.

۲. همان، ص ۶۷ - ۶۵.

از سوی دیگر، عبدالجلیل شیعی مذهب ضمن دفاع از برخی روایات فضائل امیرالمومنین، در برابر سخنان نویسنده سنی، به فضائل خوانی مبلغان اهل سنت می‌پردازد و به داستان‌های رستم و سهراب و محتوای فضائل خوانی اهل سنت، که توسط آنان بیان می‌شود اشاره می‌کند: «... و چنان است که متعصبان بنی‌امیه و مروانیان، بعد از قتل حسین با فضیلت و منقبت علی، طاقت نمی‌داشتند. جماعتی خارجیان از بقیت سیف علی و گروهی بددینان را به هم جمع کردند تا مغازی‌های دروغ و حکایات بی‌اصل، وضع کردند در حق رستم و سهراب و اسفندیار و کاووس و زال و غیر ایشان و خوانندگان را بر مرتعات اسواق (چهارسوها) ممکن کردند تا می‌خوانند تا رد باشد بر شجاعت و فضل امیرالمومنین و هنوز این بدعت باقی مانده است...»^۱

این موضوع در منظومه علی‌نامه نیز به وضوح به چشم می‌خورد. تا آنجا که حتی می‌توان گفت علی‌نامه، که خود به لحاظ سبک و سیاق، تحت تأثیر شاهنامه فردوسی فراهم آمده، به مقابله با این کتاب می‌پردازد و گرچه ربیع، شاهنامه را دارای زبانی نغز و دلکش می‌داند ولی اصل آن را دروغ می‌داند. جدا از این شخصیت‌ها و عناصر حماسی شاهنامه نیز در علی‌نامه به حاشیه رانده شده و زمانی از آنها سخن به میان می‌آید که شاعر قصد توصیف دشمنان امام علی(ع) - ناکثین و قاسطین - را دارد. از این رو و بنا بر آنچه گفته شد، منظومه علی‌نامه حقانیت امام علی(ع) و تشیع را محور قرار داده و در این بین گفتمان‌های معاصر و همسو با مخالفان خود، مانند گفتمان حماسی و پیش از اسلامی را به حاشیه می‌راند. در این نوشتار با بهره‌گیری از نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف به کشف این گفتمان‌ها پرداخته و روند ضدیت و غیریت‌سازی ناظم علی‌نامه را با گفتمان‌های مخالف مورد بررسی قرار می‌دهیم.

تاکنون مقالات متعددی در مورد منظومه علی‌نامه نگاشته شده است. عمده‌ی این مقالات، این منظومه را از جنبه‌هایی چون: نسخه‌شناسی، خصوصیات حماسی علی‌نامه و مقایسه آن با شاهنامه فردوسی و مناقب خوانی و جایگاه علی‌نامه، مورد بررسی قرار

داده‌اند. در واقع، مقالاتی که درباره‌ی علی‌نامه نگاشته شده شاید با موضوع این پژوهش مشترک باشند، اما در ارتباط با مسأله این نوشتار، کمتر ارتباط دارند. شاید بتوان گفت جدی‌ترین تحقیقی که سعی داشته به طور مختصر، اما دقیق، ویژگی‌ها و مشخصات منظومه‌ی علی‌نامه و همچنین - تا آنجا که به پیشینه پژوهش این مقاله مربوط می‌شود - محتوای آن را مورد بررسی قرار دهد، مقاله‌ی محمدرضا شفیعی کدکنی است. شفیعی در مقاله‌ی «حماسه‌ای شیعی از قرن پنجم»^۱ در همان ابتدا به معرفی قسمت‌های آغازین منظومه پرداخته و با بیان این‌که ربیع کتاب خود را از حوادث سقیفه آغاز کرده و «نص» را در برابر «اختیار» معرفی کرده، به پررنگ بودن گرایشات شیعی او تأکید می‌کند و این موضوع را در این منظومه بسیار برجسته می‌بیند. اشاره به عصر مؤلف و نام کتاب که در منظومه به آن اشاره مستقیم شده است و همچنین ساختار کتاب از موضوعاتی است که شفیعی کدکنی به آن پرداخته. در ادامه با نگاهی دقیق به راوی منظومه؛ ابومخنف، می‌پردازد و احتمال می‌دهد که ربیع، نسخه‌ای از حوادث جمل و صفین را به زبان عربی در اختیار داشته و بر اساس آن منظومه را گردآوری کرده است. نقش کرامیان در عصر مؤلف و تقابل نظر ربیع با آنها، از جمله موضوعاتی است که کدکنی به آن اشاره‌ای مختصر داشته است. اشاراتی به زندگی سراینده، شخصی که کتاب به او معرفی شده، مشخصات نسخه، تصرفات کاتبان، مشخصات رسم الخطی، اشاره به برخی داستان‌های منظومه، توصیف صحنه‌های نبرد، ویژگی‌های زبانی و دستوری و دامنه‌ی لغات سراینده از موضوعات دیگری است که ایشان به آنها پرداخته است و برخی از آنها در این مقاله نیز به کار گرفته شده است.

بررسی شفیعی کدکنی در محتوای منظومه علی‌نامه بسیار مختصر است و همانطور که گفته شد، تنها با اشاراتی به آغاز منظومه، سعی دارد تا نگرش شیعی ربیع را به تصویر کشد. از این‌رو، این مقاله و دیگر مقالاتی که در ارتباط با علی‌نامه نگاشته شده، مفاهیم شیعی و جایگاه آنها در انسجام بخشیدن به منظومه و همچنین تأثیر شرایط فرهنگی و

۱. محمدرضا شفیعی کدکنی، «حماسه‌ای شیعی از قرن پنجم»، ضمیمه آینه میراث، دوره جدید، س ۸،

اجتماعی را مورد بررسی قرار نداده‌اند. به عبارت دیگر تحلیل گفتمان منظومه‌ی علی‌نامه مسأله‌ای بدیع بوده که این پژوهش سعی دارد به آن بپردازد.

تعریف مفاهیم:

۱) مفصل‌بندی

مفهوم مفصل‌بندی (articulation) نقش مهمی در نظریه‌ی گفتمان دارد. عناصر متفاوتی که جدا از هم شاید بی‌مفهوم باشند، وقتی در کنار هم در قالب یک گفتمان گرد می‌آیند، هویت جدیدی کسب می‌کنند. لاکلا و موف، برای پیوند دادن این عناصر به همدیگر، از مفهوم مفصل‌بندی سود می‌جویند. مفصل‌بندی به گردآوری عناصر مختلف و ترکیب آنها در هویتی نو می‌پردازد. به عبارت دیگر، هر عملی که میان عناصر پراکنده در درون یک گفتمان ارتباط برقرار کند؛ به نحوی که هویت این عناصر اصلاح و تعدیل شود، مفصل‌بندی نامیده می‌شود.^۱ در این بین، محوری‌ترین مفهومی را که سایر مفاهیم به دور آن مفصل‌بندی می‌شوند، دال مرکزی می‌گویند.

۲) دال مرکزی و وقته

مفهوم دال و مدلول در این نظریه، نقش کلیدی دارد. دال‌ها، مفاهیم، عبارات، اشخاص، و در کل نمادهایی هستند که در چارچوب‌های گفتمانی خاص، بر معانی خاص دلالت می‌کنند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت می‌نماید، مدلول نامیده می‌شود. مدلول نشانه‌ای است که ما با دیدن آن، دال مورد نظر برایمان معنا می‌شود. به نماد یا مفهومی که سایر دال‌ها حول محور آن جمع و مفصل‌بندی می‌شوند، دال مرکزی (Nodal point) می‌گویند. به عبارت دیگر، هسته مرکزی منظومه گفتمانی را دال مرکزی تشکیل می‌دهد و نیروی جاذبه این هسته، سایر نشانه‌ها را به خود جذب می‌کند و سامان می‌دهد.^۲ انسجام گفتمان‌ها به ثبات رابطه دال و مدلول از یک سو و ثبات رابطه‌ی دال‌ها با دال مرکزی از

1. Ernesto, Laclau and Chantal Mouffe, (1985), *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics*. London. Verso, p.105.

2. Ibid, p.112.

سوی دیگر وابسته است. دال‌هایی را که حول دال مرکزی گردهم می‌آیند و قته (moment) می‌نامند. به عبارت دیگر، قته‌ها عبارتند از عناصری که در درون یک گفتمان و به دور دال مرکزی مفصل‌بندی شده‌اند.^۱

۳) غیریت‌سازی

غیریت‌سازی (antagonism) مفهومی مهم در مباحث گفتمانی و مباحث مربوط به هویت است. ژاک دریدا از این مفهوم در مقابل مفهوم «این‌همانی» بهره برد و دیگربودگی و مغایرت را در حوزه زبان به کار گرفت و گفت: «معانی واژگان بر حسب دیگربودگی و مبیانت، در یک نظام مشخص می‌گردد»^۲ لاکلا و موف، مفهوم غیریت‌سازی دریدا را به کار گرفتند و مفهومی فراگیر از آن بر ساختند. غیریت‌سازی در اینجا همبسته‌ی مفصل‌بندی است. ما برای مفصل‌بندی یک مفهوم باید بگوییم که آن مفهوم چه چیزی نیست، تا از این رهگذر بتوانیم مفهوم خود را تعریف و مفصل‌بندی کنیم. گفتمان‌ها اساساً در ضدیت و تفاوت با یکدیگر شکل می‌گیرند و هویت می‌یابند.^۳

۴) برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی

مفهوم غیریت در ذات خود با مفاهیم «برجسته‌سازی» و «حاشیه‌رانی» همراه است. این دو مفهوم به اشکال مختلف در عرصه‌ی منازعات گفتمانی ظاهر می‌شوند. برجسته‌سازی دال‌های مورد نظر خود و حاشیه‌رانی نظام معانی و دال‌های گفتمان رقیب، و برجسته‌سازی نقاط قوت خود و نقاط ضعف رقیب از آن جمله است. در واقع برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، شیوه‌ای برای حفظ و استمرار قدرت و تداوم هژمونی یک گفتمان است.^۴

1. Ibid, p.110.

۲. محمد ضیمران، (۱۳۷۰)، ژاک دریدا و متافیزیک حضور، تهران: هرمس، ص ۱۰۴.

۳. دیوید هوارث: «نظریه گفتمان»، ترجمه علی اصغر سلطانی، فصلنامه علوم سیاسی، س اول، ش ۲، پائیز ۱۳۷۷، ص ۱۶۶-۱۶۵.

۴. محمد سالار کسرابی و علی پوزش شیرازی: «نظریه گفتمان لاکلا و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، ش ۳، پاییز ۱۳۸۸، ص ۳۴۸.

معرفی منظومه‌ی علی‌نامه و ساختار آن

کتاب *علی‌نامه* که از شاعری به نام «ربیع» به دست ما رسیده، منظومه‌ای است در حدود دوازده هزار بیت، در بحر متقارب و به گفته‌ی سراینده‌اش «به لفظ عجم در عروض عرب» و سراسر آن در مناقب و مغازی علی بن ابی طالب در جنگ با ناکثین و قاسطین می‌باشد. گوینده‌ی آن، که به تصریح متن کتاب، متولد ۴۲۰ هجری است این منظومه را در سن ۶۲ سالگی و در ۴۸۲ هجری به احتمال قریب به یقین در خراسان و شاید در ناحیه بیهق و یا جرجان قدیم منظوم کرده است و آن را به یکی از اشراف سادات عصر، یعنی علی بن طاهر عریضی از سادات ناحیه تقدیم داشته است.^۱ شاعر، خود تصریح دارد که پیش از او در این باره، کسی سخنی منظوم نکرده است، یعنی مؤلف بر این که نخستین حماسه سرای مغازی امام علی(ع) به زبان فارسی است، وقوف داشته است. همچنین ابتدای کتاب، حاکی از این است که نسخه‌ی اصلی، افتادگی داشته است، اما شفیعی کدکنی ادعا می‌کند که اییات چندانی از این منظومه فوت نشده است.^۲

در میان حماسه‌های منظوم زبان فارسی، این کتاب از لحاظ تاریخی در کنار منظومه‌هایی چون *شاهنامه* فردوسی و *گرشاسب‌نامه* اسدی قرار می‌گیرد. از نظر تاریخ شعر شیعی و حماسه‌های شیعی نیز دارای کمال اهمیت است، تا آنجا که می‌دانیم اولین حماسه شناخته شده شیعی، *خاوران‌نامه* ابن حسام خوسفی (م ۸۷۵) است که در عصر تیموری سروده شده و حدود چهار قرن پس از این کتاب تدوین شده است.^۳ ربیع در چندین جا، تصریح دارد که منظومه‌اش بر پایه روایاتی از ابومخنف است و از

۱. علی بن طاهر که علی بن زید بیهقی در کتاب *لباب الأنساب* از او به عنوان الامیر علی بن طاهر بن ابی القاسم السجّاد یاد می‌کند؛ یکی از اشراف ناحیه بیهق بوده است که در سن حدود هفتاد سالگی در ۵۰۷ هجری، درگذشته و طبیعی است که وقتی در سن چهل سالگی بوده؛ در ۴۸۲، منظومه‌ی علی‌نامه به او اهدا شده است؛ ابوالحسن علی بن زید البیهقی، (۱۴۱۰ق)، *لباب الأنساب و الأعتاب*، ج ۲، تحقیق السید مهدی الرجائی، قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی، ص ۶۶۲-۶۶۱.

۲. «حماسه‌ای شیعی از قرن پنجم»، ص ۹۴-۹۳.

۳. همان، ص ۹۹-۹۸.

او با کنیه «بوالمنابر» یاد می‌کند.^۱ وی تمام گفتارش در جنگ صفین را به ابومخنف اسناد می‌دهد و در جمل فقط یک بار از امام صادق(ع) و یک بار هم از ابن عباس نقلی می‌آورد. تردیدی نیست که ابومخنف محضر امام صادق(ع) را درک کرده و از آن حضرت و همچنین ابن عباس روایت دارد. پرسشی که در اینجا به ذهن می‌رسد این است که در عهد سرودن این منظومه، آیا آثار ابومخنف باقی بوده است یا از طریق روایات دیگران به دست گوینده رسیده است؟ به احتمال قوی، مؤلف متنی در اختیار داشته که در آغاز روایت‌های آن، نامی از ابومخنف ذکر شده و ربیع همان‌ها را به نظم درآورده است؛ به ویژه که در اشعار او حوادثی افسانه‌ای وجود دارد که با نوع روایاتی که از ابومخنف داریم هماهنگی ندارد. از این رو، می‌توان گفت که نسخه‌ای از حوادث جمل و صفین به نثر عربی در اختیار او بوده و گوینده آن را به نظم درآورده است.^۲

سراینده، ماجرای جمل و صفین را در این منظومه به تفصیل تمام آورده است. دفتر اول - حرب جمل - شامل سه مجلس می‌باشد که مجلس اول به بیعت مردم با امام علی(ع) پرداخته شده و دو مجلس دیگر حوادث جمل را دنبال کرده است و دفتر دوم - حرب صفین - شامل دوازده مجلس می‌باشد. در آغاز هر بخش یا مجلس، به شیوه فردوسی خطابی دارد و همان گونه که فردوسی شیعی معتزلی طرفدار خرد است و خرد را می‌ستاید، این سراینده نیز همه جا به ستایش خرد و خردمند می‌پردازد و در آغاز سخنش خردمند را مخاطب قرار می‌دهد.

۱. در این ابیات، شاعر به نام ابومخنف اشاره کرده است: ۲۳۰۹ / ۳۰۰۶ / ۳۰۹۰ / ۳۱۷۵ / ۳۳۰۵ / ۳۳۳۴ / ۳۵۶۴ / ۳۶۶۲ / ۳۷۸۶ / ۴۴۶۶ / ۴۴۷۶ / ۴۵۲۴ / ۴۶۲۹ / ۴۸۲۵ / ۵۲۷۸ / ۵۳۹۰ / ۵۴۳۵ / ۵۵۸۷ / ۵۶۰۸ / ۵۶۹۱ / ۶۰۲۲ / ۶۵۴۷ / ۶۷۶۴ / ۶۸۱۲ / ۶۹۵۵ / ۷۴۶۳ / ۷۷۱۲ / ۷۸۰۷ / ۸۲۷۵ / ۸۴۴۱ / ۸۸۶۸ / ۸۹۹۴ / ۹۱۲۰ / ۹۴۴۶ / ۹۷۰۶ / ۹۸۰۶ / ۹۸۳۶ / ۱۰۰۵۹ / ۱۰۱۱۷ / ۱۰۴۳۶ / ۱۰۵۳۷ / ۱۰۷۱۰ / ۱۰۷۲۰ / ۱۰۷۴۶ / ۱۰۹۲۳ / ۱۱۱۵۲.

۲. «حماسه‌ای شیعی از قرن پنجم»، ص ۱۰۰.

مفصل‌بندی در گفتمان علی‌نامه

همانطور که گفته شد منظومه‌ی علی‌نامه تحت تأثیر مستقیم اعتقادات و باورهای شیعی فراهم شده است. سراینده، منظومه‌ی خود را از حوادث پس از فوت پیامبر آغاز می‌کند و این‌که امت فتنه کردند و از شبهت، با مرتضی بد کردند و به دو گروه تقسیم شدند؛ عده‌ای که یار نبی (ص) بودند، راه «نص» را برگزیدند و قومی دیگر که عهد روز غدیر را شکستند، در سقیفه، راه «اختیار» را انتخاب کردند. در واقع، ربیع به شکلی هوشمندانه کتاب خود را نه با آغاز خلافت امام علی (ع)، بلکه با حوادثی که منجر به انشقاق در امت شده، آغاز می‌کند و در همان ابتدا به مفاهیم کلیدی شیعی همچون نص و غدیر خم اشاره دارد:

تو بشنو کنون کز پس مصطفی	ز شبهت که بد کرد با مرتضی
که چون مصطفی شد ز دنیا برون	ز شبهت که شد دیو دون را زبون
چه فتنه پدید آمد اندر جهان	ز بهرای اهل هدی از زمان
ز شبهت شد آن قوم بر دو گروه	ز بد قوم شد دست حق با ستوه
یکی جست نص و دگر اختیار	چو نص را نبذ جز نبی چند بار
شکسته ز بن عهد روز غدیر	شکفته سقیفه ز برنا و پیر
ره نص رها کرده بیهوش وار	ز کینه گرفته ره اختیار ^۱

اشاره ربیع بر مسأله‌ی نص، که یکی از عناصر کلیدی شیعه - امامیه - می‌باشد در چندین جای دیگر مورد تأکید قرار می‌گیرد و حتی در ادامه از این عبارت به جای نام امام علی (ع) استفاده می‌کند:

به خانه همی بود نص زان سپس شده یارش از خاصگان چند کس^۲
قرار گرفتن نص در برابر اختیار، همچنین در نامه‌ی امام علی (ع) به معاویه نیز ذکر می‌شود، و امام در بیان حقانیت خود به جانشینی، پس از فوت پیامبر (ص)، به آن اشاره می‌کند و دگرگونی در دین و شریعت را نتیجه‌ی کنار گذاشتن نص از سوی مهاجر و انصار

۱. ربیع، (۱۳۹۰)، علی‌نامه (منظومه‌ای کهن)، تصحیح رضا بیات و ابوالفضل غلامی، تهران: میراث مکتوب، ابیات ۳-۹.

۲. همان، بیت ۱۲.

می‌داند:

به وقتی که بد مصطفای امین برون رفت از عالم مهر و کین...
 سقیفه بکردند یکبارگی خلافت بجستند ز بی چارگی...
 غدیر خم از جمله پوشیده نیست وز این در سخن نانیوشیده نیست
 ره نصّ بمآندند و راه دگر طلب کرد هر یک امامی دگر
 شدند هفت گروه این صاحبان دین مهاجر و انصار از بهر کین...
 از اینسان شریعت به فریاد شد ز بیدادگر دیو دون شاد شد...
 دگرگونه شد کار بازار دین بسی کس همی جست بازار کین^۱

در جایی دیگر و در بیان حوادث پس از نبرد جمل، اشاراتی به نصّ الهی امامت می‌کند؛ و این بار از زبان محمد بن ابی‌بکر خطاب به عایشه:

کرا کرد بر دین پیمبر وصی؟ کرا خواند یزدان ولیّ وفی؟
 وی است راسخ دین به نصّ مبین ورا گفت اولوالامر جان آفرین^۲

در اینجا منصوص بودن امامت در شیعه، با وضوح بیشتری بیان شده و حقانیت آن را مبتنی بر کلام خدا در قرآن می‌داند. امامت منصوص همچنین در ابتدای مجلس یازدهم از حرب صفین، مورد تأکید قرار گرفته و آن را به فرمان خدا و آیات قرآن می‌داند:

الا ای سخن دان دانش سرای سعادت بجوی از پی آن سرای
 همی گوی مدح امامان نصّ به فرمان و آیات قرآن نصّ^۳

از این رو ربیع، عنصر نصّ را که یکی از عناصر کلیدی شیعه می‌باشد، در راستای اثبات حقانیت امام علی(ع) و تشیع - در گفتمان خود - مفصل‌بندی کرده و بر الهی بودن آن نیز اشاره می‌کند و در پی آن، امامت را نیز حق شیعه دانسته و به تواتر در کتاب خود، آن را یادآوری می‌کند. در این مورد نیز بر این نکته تأکید می‌کند که امام علی(ع)، امامت را از خدا و سپس پیامبر(ص) گرفته و حقانیت او الهی است. ربیع، در کشاکش نبرد جمل، از

۱. همان، ابیات ۲۴۸۰-۲۴۶۹.

۲. همان، ابیات ۲۰۲۸-۲۰۲۷.

۳. همان، ابیات ۱۰۱۱۴-۱۰۱۱۳.

آراستن سپاه توسط عایشه سخن می‌گوید و ادعای وی بر امامت را مطرح می‌کند. امام علی(ع) پس از این، خدا را حجّت قرار می‌دهد و عایشه را به دلیل فراموش کردن راه پیامبر(ص) سرزنش می‌کند.^۱ در ادامه و در بیان آراستن سپاه معاویه علیه امام علی(ع) باز به این نکته اشاره می‌کند که فرزند ابوسفیان به جنگ امامی آمده است که همنفس پیامبر بوده و جبرئیل امین با اوست و خدا برایش از آسمان، ذوالفقار را فرستاده است.^۲

تأکید ربیع بر الهی بودن حق امامت در مذهب شیعه، با عناصر دیگری چون شریعت و حفاظت از آن، مفصل‌بندی می‌شود و ناظم در قالب حوادث حرب صفین و قرآن بر نیزه کردن، بر این نکته اشاره می‌کند که معاویه و یارانش قصد ویران کردن خانه‌ی مصطفی(ع) - دین اسلام - را دارند و امام علی(ع) تأکید می‌کند که تا زنده است نمی‌گذارد این اتفاق بر سر شریعت رخ دهد؛ زیرا خداوند شریعت را به پیامبر(ص) و پیامبر(ص) به علی(ع) سپرده است؛^۳ و در ادامه خطاب به معاویه می‌گوید که چگونه خود را با او برابر می‌داد در حالی که روح الامین و ملائکه بر او فخر می‌کنند و به حکم پروردگار، قرآن در حق وی گواهی می‌دهد.^۴ ربیع در ذکر حوادث پس از حکمین که موجب آشوب در مسجد کوفه می‌شود نیز با ابیاتی که به صورت سوالی استتفهامی سروده شده، بر امامت امام علی(ع) و مسأله غدیر تأکید می‌کند و این حق را از آن معاویه نمی‌داند؛ این عبارات، این بار از زبان عبدالله بن عقیف خطاب به حاضران مجلس حکمین روایت می‌شود:

از این گونه شد کار حیدر کنون که بن عاص از میری آرد برون؟
خدا و پیمبر به گفتار عمرو همی کرد خواهند این بار امر؟
اولوالامر شد ابن صخر لعین ز گفتار این گبر بر اهل دین؟
نبودست این گبر اندر غدیر که کرد این پیمبر علی را امیر؟^۵

۱. همان، ابیات ۱۹۰۲-۱۸۸۵.

۲. همان، ابیات ۴۸۱۶-۴۸۱۴.

۳. همان، ابیات ۹۳۲۶-۹۳۲۰.

۴. همان، ابیات ۹۴۶۲-۹۴۶۰.

۵. همان، ابیات ۹۹۰۸-۹۹۰۴.

و در ادامه و به همین سبک و سیاق، ربیع از سرزنش ابوموسی اشعری توسط امام علی(ع) ابیاتی را می‌گوید که بر امامت منصوص اشاره دارد:

امامت چنین کار بازی بود؟ ره دین ره مهره بازی بود؟
امامت یکی دست پیغمبری ست تو گفتی مگر کرده‌ی اشعری ست؟^۱

از این رو، عبارت «امام» و «امامت» که در اندیشه‌ی اسلام، مورد بهره برداری همه‌ی گروه‌های سیاسی، اعم از خوارج و اهل سنت و شیعه می‌باشد؛ در گفتمان علی‌نامه به‌عنوان وقته‌ای اساسی حول محور حقانیت امام علی(ع) و شیعه مفصل بندی شده است. به عبارت دقیق‌تر، اثبات حقانیت امام علی(ع) و همچنین شیعه، دالّ مرکزی در گفتمان شیعی، منظومه علی‌نامه بوده و سراینده تلاش می‌کند تا وقته‌ها یا نشانه‌های شیعی را حول این موضوع — حقانیت امام علی(ع) و تشیع — مفصل بندی نماید. در همین راستا، ربیع، امامت را ولایتی می‌داند که از خدا به رسول(ص) و سپس به امام علی(ع) رسیده است؛ در واقع، عباراتی چون ولیّ خدا، ولیّ نبی و وصیّ نبی که در منظومه علی‌نامه فراوان از آنها استفاده شده است، وقته‌ی «ولایت» را در گفتمان علی‌نامه نمایندگی می‌کند؛ عنصری قرآنی که از سوی شیعه و به طور خاص در متن علی‌نامه، پیرامون دالّ مرکزی مفصل بندی شده است. برای نمونه، ربیع در جایی که از مذاکره امام علی(ع) با طلحه و زبیر گزارش نقل می‌کند، بیتی را از زبان امام علی(ع) می‌آورد که امامت و ولایت، و محدوده‌ی آن را گوش زد می‌کند:

علی گفت: جویی امامت مگر؟ به دین در تو داری ولایت مگر؟^۲

و در مذاکره‌ی ابن عباس و عمرو عاص نیز، آنجا که صحبت بر سر ولایت مطرح می‌شود؛ عمرو عاص، امامت امام علی(ع) را زیر سوال می‌برد و ادعا می‌کند که پیامبر ولایت را به علی نداده است؛ گفته‌های این دو این گونه در علی‌نامه بیان شده است:

بگفتش نبی مر علی را چه داد؟ و میر تو را نیز؟ بر گوی شاد
بدو عمرو گفت — امیر مرا ولایت نبی داده بد بر ملا

۱. همان، ابیات ۹۹۷۷-۹۹۷۸.

۲. همان، بیت ۱۲۱۴.

علی را ندادست ولایت نبی
همین بد که داماد وی بد علی
بدو ابن عباس گفت ای لعین
تویی بی گمان دشمن داد و دین
غدیر خم اندر ندیدی رسول
ولی عهد خود کرده بودش رسول؟^۱

از سویی دیگر، ربیع به غیبت مهدی (عج) و ظهور وی، به عنوان یکی از مهم‌ترین نشانه‌های گفتمان شیعی، نیز اشاره‌ی مستقیم دارد. وی در بیان سخنان امام علی (ع) برای اهل بصره، پس از نبرد جمل، از اشاره‌ی علی به آخر الزمان می‌گوید؛ که جهان در آخر الزمان پر از نابه‌سامانی شده و فردی به نام شعبه بن صالح - در روایات شعیب بن صالح - با پرچم سفید قیام می‌کند و ستمکاران را مبتدر کرده و سرای شریعت را معنبر می‌کند.^۲ ربیع در ادامه، از قول امام علی (ع) و بنابر روایات منسوب به پیامبر (ص)، از آمدن مهدی در مکه سخن می‌گوید؛ در حالی که عیسی نیز او را همراهی می‌کند.^۳ این اشارات، بی‌شک متأثر از جو فرهنگی قرن پنجم هجری بوده و ربیع بدین وسیله گفتمان شیعی خود را مفصل‌بندی می‌کند. به عبارت دیگر، تأکید ربیع بر مفاهیم و نشانه‌هایی چون نص، امامت، ولایت و غیبت به هدف اثبات حقانیت امام علی (ع) و تشیع - در برابر اهل تسنن - صورت گرفته است؛ نشانه‌ها یا وقته‌هایی که در گفتمان علی‌نامه حول دال مرکزی «حقانیت امام علی (ع) و شیعه» فراهم آمده‌اند و جالب آن‌که تأکید ربیع بر این نشانه‌ها و مفاهیم، همزمان با بیان رویدادهای جمل و صفین صورت می‌گیرد.

غیریت‌سازی در گفتمان علی‌نامه

همانطور که در ابتدا گفته شد، گفتمان‌ها همواره به واسطه «دشمن» هویت پیدا می‌کنند و نظام معنایی خود را بر اساس آن تنظیم می‌کنند. از این رو، وجود گفتمانی که مطلقاً و به تنهایی بر جامعه‌ای حاکم باشد، بر اساس این نظریه امکان‌پذیر نیست. در ارتباط با این نوشتار نیز غیریت‌سازی نقش کلیدی دارد؛ تا آنجا که اساساً به وجود آمدن منظومه‌ی

۱. همان، بیت ۷۴۹۵-۷۴۹۱.

۲. محمدباقر مجلسی، (۱۳۵۱)، بحارالانوار، ج ۵۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ص ۶۵.

۳. علی‌نامه (منظومه‌ای کهن)، ابیات ۲۲۱۶-۲۱۵۴.

علی‌نامه متأثر از غیریت‌سازی و مقابله با داستان پردازی‌های فضائل خوانان - اهل سنت - می‌باشد.

در گفتمان علی‌نامه، غیریت‌سازی با مخالفان، از ابتدا تا انتهای منظومه مورد تأکید است. گرچه در علی‌نامه، می‌توان همه‌ی مخالفان امام علی(ع) - ناکثین و قاسطین - را غیر و یا دشمن محسوب کرد، اما غیریت‌سازی اصلی در گفتمان علی‌نامه، بر محور بنی‌امیه و متابعان آنها - معاویه، مروان، عبدالله بن عامر و عمرو عاص - می‌باشد و برای مثال افرادی چون ابوبکر، عمر، عثمان، عایشه، طلحه و زبیر، گرچه در علی‌نامه به عنوان غیر و مقابل امام مطرح هستند، اما در غیریت‌سازی گفتمان علی‌نامه نقش کم‌رنگ‌تری دارند. یکی از دلایل این موضوع را می‌توان به جو فرهنگی و اجتماعی ایران، معاصر با ربیع مربوط دانست. بازگردیم به کتاب تقض؛ در این اثر رازی قزوینی اطلاعات بسیار مفیدی از محیط فرهنگی شهرهای ایران ارائه می‌کند و همانطور که گفته شد رقابت‌های شیعه و سنی را در این شهرها بازتاب می‌دهد: «... و چنان است که متعصبان بنی‌امیه و مروانیان، بعد از قتل حسین(ع) با فضیلت و منقبت علی، طاقت نمی‌داشتند. جماعتی خارجیان از بقیت سیف علی و گروهی بددینان را به هم جمع کردند تا مغازی‌هایی به دروغ و حکایات بی‌اصل، وضع کردند...»^۱ از این گفته‌ها، که رقابت گروه‌های اعتقادی در قرن‌های پنجم و ششم را بیان می‌کند، می‌توان به برجستگی غیریت‌سازی در گفتمان علی‌نامه، نسبت به بنی‌امیه و مروانیان پی برد. تا آنجا که در متن علی‌نامه، تخصص با مروان حکم - سرسلسله‌ی خانواده مروانیان - به شکلی محسوس قابل ملاحظه است. اولین جایی که در منظومه، از مروان سخن به میان می‌آید، زمانی است که ربیع از به خلافت رسیدن عثمان در شورا می‌گوید و می‌نویسد:

ز شورا خلافت به عثمان رسید

خبر زان سخن نزد مروان رسید...

که آن سگ بد از راندگان نبی

چو سر بُد بر اهل نفاق آن شقی^۲

و در ادامه می‌گوید؛ در حالی که ابوبکر و عمر، بنا بر گفته پیمبر(ص)، مروان را از مدینه

۱. تقض، ص ۶۷.

۲. علی‌نامه (منظومه‌ای کهن)، ابیات ۳۵-۳۳.

دور نگه داشته بودند، عثمان او را به وزارت برکشید و به او منصب داد.^۱ با این حال نقش مروان و عمروعاص را در به قتل رسیدن عثمان، کلیدی دانسته و در ماجرای جمل - بیشتر از عایشه، طلحه و زبیر - و در مورد نبرد صفین، بیشتر از معاویه این دو را، در برپایی فتنه علیه امام علی(ع) متهم اصلی می‌داند:

سرانجام شد کشته عثمان پیر	در آن خانه از زخم شمشیر و تیر
سرفتنه مروان و آن عمرو دون	شدند هر دو پنهان به یثرب درون
بن و بیخ آن خو ز عثمان درست	ز گفتار و کردار آن هر دو رست
تو بشنو کنون ای گو سرفراز	که از دو منافق چه انگیخت باز
چگونه فروکشت تخم جدل	کز آن تخمشان رست حرب جمل
کز آن جنگ چندان سپه کشته شد	که از کشته صحرا پر از کشته شد
دگرباره از جنگ صفین لعین	بیاراستند هر دو بازار کین ^۲

ربیع از راه‌های گوناگون، غیریت‌سازی با بنی‌امیه و متابعان آنان را مطرح می‌کند. یکی از مهم‌ترین آنها، قرار دادن بنی‌امیه و مروانیان در برابر امر خدا و پیامبر او، و در نتیجه خارج از دین، قلمداد کردن آنهاست. ربیع به صراحت، آنها را دشمن و عدوی خدا خطاب می‌کند و در توصیف آنها - معاویه، مروان، عبدالله بن عامر و عمرو عاص - از عباراتی چون کافر، ملحد، منافق، فتنه‌جو و گبر و حتی سامری و فرعون استفاده می‌کند.^۳ به عبارت دیگر، در شرایطی که گفتمان علی‌نامه حول محور حقانیت امام علی(ع) و شیعه قرار دارد، ربیع، اهل سنت را از آن جهت که متابع امر خداوند و پیامبرش قرار نگرفته‌اند، دشمن خدا، خارج از دین و کافر می‌داند؛ و در نتیجه حقانیتی نیز برای آنها قائل نیست؛

که بود آن که از دین برون برد پای چو در جنگ شد با ولیّ خدای^۴

۱. همان، ابیات ۳۶-۴۸.

۲. همان، ابیات ۷۳-۷۹.

۳. از این عبارات در ابیات علی‌نامه، خطاب به دشمنان امام علی(ع) به خصوص معاویه، مروان، عبدالله بن عامر و عمرو عاص، فراوان به کار رفته است.

۴. همان، بیت ۶۴۱.

همچنین در جایی دیگر خطاب به ناصبیان،^۱ بر این نکته تأکید می‌کند؛ آنجایی که ربیع ماجرای صفین را رها کرده و به نکوهش معاویه و فضل امام علی(ع) می‌پردازد و پس از اشاره به هند، مادر معاویه، می‌نویسد:

چنین کس چه داند حق دین و داد	که مادرش وی را اینگونه زاد
ولیکن تو مر ناصبی را نگر	کزان حیز از ناصبی شوخ تر
کند دشمنی وی هم از این سبب	ابا دوستان علی روز و شب
که را گفت یزدان ولی من است	عدو گوید آن کس عدوی من است
عدوی خدای است آن زشت رای	که باشد عدوی ولی خدای ^۲

ربیع جنگ با علی(ع) را جنگ با پیامبر(ص) و خدا و در نتیجه عین کفر می‌داند:

نه جنگ علی جنگ پیغمبر است؟	نه نفس نبی پاک دین حیدر است؟ ^۳
شما از پیمبر ندارید یاد	که کافر کشد حیدر دین و داد؟...
پیمبر بگفتست پس چند بار	که کافر کند با علی کارزار ^۴

غیریت‌سازی در سرتاسر متن علی‌نامه با صراحت تمام و به اشکال گوناگون بیان می‌شود و گفتمان غیر، مورد حمله قرار می‌گیرد. برای نمونه، ربیع نامه‌ای را از محمد بن ابوبکر خطاب به معاویه، و در جواب نامه‌ی او، ذکر می‌کند که در آن ادعای معاویه مبنی بر سالاری دین، رد شده و او را مهتر قاسطین و ظالم و فاسق می‌نامد؛ در اینجا لحن ربیع، بسیار تند است و در ادامه معاویه را از پشت فرعون مرتد دانسته و او را منافق و کافری می‌داند که با خدا دشمنی می‌کند و پدرش، ابوسفیان را، صخر زندیق خطاب می‌کند.^۵

۱. ناصبی (به عربی النواصب) واژه‌ای است که به کسی اطلاق می‌شود که با علی بن ابی طالب یا یکی از امامان شیعه دشمن باشد؛ جعفر بن حسن محقق حلّی، (۱۳۷۱)، *الرسائل التسع*، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی، ص ۲۷۷.

۲. علی‌نامه (منظومه‌ای کهن)، ابیات ۶۸۸۰-۶۸۷۶.

۳. همان، ابیات ۱۸۵۷.

۴. همان، ابیات ۲۰۲۶-۲۰۲۲.

۵. همان، ابیات ۳۶۴۰-۳۶۱۸.

ربیع همچنین در داستانی کوتاه، حکم مرتدان و زناکاران را، از قول امام علی(ع) بیان می‌کند؛ که بی ارتباط با غیریت‌سازی علیه معاویه و همراهانش نمی‌باشد؛ در این داستان، گفته شده که مردی مسلمان با زنی ترسا، در مصر زنا کرده‌اند و مالک اشتر نامه‌ای به امام نوشته و از او در این باره داوری می‌طلبد؛ امام در جواب، مالک را به زدن صد ضربه شلاق بر هردو آنها امر می‌کند و در ادامه از قول امام علی(ع) می‌گوید:

ز گیران مکن جز که دین خواستار اگر دین پذیرد شود رستگار
تن مرتدان را به کشتن سپر ز مرتد تو می‌پذیر عذری دگر^۱

بعد دیگر غیریت‌سازی در علی‌نامه، یکسان انگاشتن مخالفان امام علی(ع) با دشمنان پیامبر(ص) در صدر اسلام می‌باشد؛ زیرا هر دو مقابل اسلام قرار گرفته و عهد خدا را زیر پا گذاشته‌اند. ربیع ابوسفیان، معاویه، یزید و مادرش هند را در برابر پیامبر(ص)، امام علی(ع) و امام حسین(ع) و حمزه به تصویر می‌کشید و دامنه‌ی تخاصم علیه بنی‌امیه را وسیع‌تر از دوران خلافت امام علی(ع) می‌داند:

همان کرد آن گبر با مرتضی که صخر لعین کرد با مصطفی
لعین پورسفیان به میراث داشت ز بهر پسر کین هم او بازکاشت
پسر چون پدر بود گرگ سترگ لعین زاده هم بود درنده گرگ
بنی از پدر بد به غم روز و شب علی از پسر بد چنین در تعب
حسین را یزید پلید کشت زار در آن کربلا آن سگ خاکسار
از آن زانیه حمزه گشت او شهید نگر تا جگرخواره هند پلید
ببین تا چه کردند هر یک به کین بر اولاد و بر سید المرسلین^۲

فرایند برجسته‌سازی در گفتمان علی‌نامه

همانطور که در ابتدای این نوشتار گفته شد؛ مفهوم غیریت در ذات خود با مفاهیم «برجسته‌سازی» و «حاشیه‌رانی» همراه است. به عبارت دیگر، متنی که در تخاصم با

۱. همان، ابیات ۴۵۸۰-۴۵۷۹.

۲. همان، ابیات ۵۶۰۱-۵۵۹۵.

گفتمانی دیگر قرار دارد، خود به خود و در راستای مفصل بندی، نقاط قوت خود و نقاط ضعف غیر را برجسته می‌کند و بالعکس؛ نقاط ضعف خود و نقاط قوت رقیب را به حاشیه می‌راند.^۱ فرایند برجسته‌سازی، در متن علی‌نامه، به وضوح و به روش‌های گوناگون صورت گرفته‌است. به عبارتی، ربیع، نشانه‌های گفتمان شیعی را در منظومه‌ی خود، حول اثبات حقانیت امام علی(ع) و شیعه، مفصل بندی کرده و در کنار روایت خود از حوادث و رویدادهای تاریخی، مدام به برجسته‌سازی آنها می‌پردازد و در این فرایند به آیات قرآنی، داستان‌ها و رویدادهای صدر اسلام استناد می‌کند. ناظم در ابتدای منظومه‌ی خود و آن‌گاه که مسئله شورا را مطرح می‌کند؛ در ضمن اشاره به نصّ، از امام علی(ع) با عنوان قرآنی «صالح المؤمنین» یاد می‌کند؛

نبد صالح المؤمنین جز علی علی آن که خواند ایزد او را ولی^۲

بنابر تفاسیر و روایات شیعه و اهل سنت، مراد از صالح المؤمنین در آیه‌ی چهارم سوره‌ی تحریم،^۳ علی بن ابی طالب می‌باشد.^۴ همچنین اشاره به آیه‌ی ۶۱ سوره‌ی آل عمران^۵ — معروف به آیه‌ی مباحله — نیز، در قالب عباراتی چون «نفس پیمبر» و «نفس نبی» بارها به کار رفته است؛

امامی که نفس پیمبر بد اوی که با انبیا جمله همبر بد اوی^۶
چو تخم همه راستی حیدر است ز روی یقین نفس پیغمبر است^۷

۱. علی اصغر سلطانی، (۱۳۸۷)، قدرت گفتمان و زبان، تهران: نی، ص ۱۱۳.

۲. همان، ابیات ۲۸-۲۹.

۳. *إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ.*

۴. سید محمد باقر موسوی همدانی، (۱۳۷۴)، ترجمه المیزان، ج ۱۹، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ص ۵۵۶.

۵. *فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَنِسَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لُغْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَذِبِينَ.*

۶. علی‌نامه (منظومه‌ای کهن)، بیت ۴۸۱۷.

۷. همان، بیت ۵۴۳۱.

همانطور که ملاحظه می‌شود، فرایند برجسته‌سازی، موازی با غیریت‌سازی و مبتنی بر نشانه‌های گفتمانی علی‌نامه، با بهره‌گیری از آیات قرآنی صورت گرفته است. عبارت اولوالامر نیز به همین شکل در علی‌نامه، مورد اشاره ربیع قرار می‌گیرد:

وی است راسخ دین به نصّ مبین ورا گفت اولوالامر جان آفرین^۱

ربیع همچنین در مجلس پنجم از حرب صفین به ذکر برخی داستان‌ها که در باره‌ی امام علی(ع) گفته‌اند، می‌پردازد؛ قضاوت علی میان دو زنگی^۲ و یاد شدن نام ایلینا در کلام مسیح و تورات،^۳ از نمونه‌های فرایند برجسته‌سازی حقانیت شیعه در قالب داستان و روایات است. در همین قسمت و در خلال این داستان‌ها، به اعجاز امام در جستن آب اشاره می‌کند و با روایتی از پیامبر، که بنا بر داستان، بر روی سنگی سیاه در بیابان نوشته شده است، به حجت پروردگار، بر حقانیت ائمه(ع) تأکید می‌کند.^۴ این روایت - «الائمه من بعدی بعدد نُبأء بنی اسرائیل و كانوا اثنتی عشر»^۵ - که ربیع آن را از قول پیامبر روایت می‌کند، یکی از نمونه‌های بارزی است که ربیع از طریق آن، نشانه‌ی امامت و منصوص بودن آن را، در شیعه امامیه - و اثبات حقانیت آن - برجسته می‌کند. همچنین اشاره به رویدادها و حوادث صدر اسلام که با باورهای شیعی در پیوند می‌باشد نیز، به برجسته‌سازی نشانه‌های گفتمان شیعی علی‌نامه کمک می‌کند. تأکید بر غدیر خم و اثبات امامت امام علی(ع)، از نمونه‌های این مورد می‌باشد.^۶

از سویی دیگر، برجسته‌سازی نقاط ضعف دشمن نیز، در علی‌نامه به کار رفته است. اشاره به روایاتی از پیامبر(ص) در مذمت مخالفان امام علی(ع) و اعتراف دشمن بر حقانیت

۱. همان، بیت ۲۰۲۸.

۲. همان، ابیات ۵۸۵۹-۵۷۵۱.

۳. همان، ابیات ۵۹۷۰-۵۹۵۱.

۴. همان، ابیات ۵۹۵۰-۵۸۶۰.

۵. محمد بن علی ابن شهر آشوب، (بی‌تا)، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، قم: علامه، ص ۳۰۰.

۶. در علی‌نامه، ابیات ۹۹۰۸، ۷۴۹۵، ۲۵۰، ۲۴۷۳، ۲۴۷، ۸، به واقعه غدیر و انتخاب امام علی(ع) به جانشینی و امامت اشاره شده است.

و فضل امام علی (ع)، نشانه‌هایی هستند که ربیع در چند مورد، با برجسته‌سازی آنها، سعی در اثبات حقانیت شیعه دارد. زمانی که ربیع، در ابتدای منظومه، از بیعت مردم با امام علی (ع) سخن می‌گوید، ادعای طلحه - مبنی بر این‌که او برای خلافت بهتر می‌باشد - را مطرح می‌کند؛ در ادامه، امام علی (ع) از طلحه می‌خواهد تا به قرآن درونشان رجوع کنند و آن را برهان بگیرند؛ طلحه از این سخن خجل می‌شود و با امام علی بیعت می‌کند.^۱ در جایی دیگر، زمانی که عبیدالله بن عمر در سپاه معاویه به خونخواهی از عبدالرحمن بن خالد، رهسپار میدان جنگ می‌شود، برادرش عبدالله بن عمر، او را از جنگ با سپاه امام علی (ع) برحذر می‌دارد و به او می‌گوید: پدر ما، عمر بن خطاب، هیچ‌گاه با علی کارزار نکرده است؛ تو نیز پند مرا بپذیر و خوی پدر را بگیر که اگر کوه آهن باشی، در برابر حیدر ارزنی بیش نیستی.^۲

در جای دیگر نیز زمانی که مصعب بن زبیر قصد حمله بر سپاه امام علی (ع) را دارد با سرزنش برادرش، عبدالله، روبرو می‌شود و کشته شدن عبیدالله بن عمر را به او یادآوری می‌کند. عبدالله بن زبیر، معاویه را تیره روانی خطاب می‌کند که جهان را از مردان تهی کرده است و زمانی که مصعب، کشته شدن پدرش را در جمل به عبدالله یادآوری می‌کند، عبدالله در جواب می‌گوید:

گناه بد اندر پدر بد نخست	که وی با علی جنگ و پیکار جست
ندانست او حق شیر خدای	که می‌پرگرفت او ز پیماناش، پای
ولیکن علی از ره راستی	نجست هیچ در کار او کاستی...
تو نشنوده‌ای از نبی چند بار	که کافر کند با علی کارزار؟
ستودند پیران اصحاب دین	که گفتست آن مصطفای گزین
برو پرس و برگرد زود از گناه	مکن دین و اسلام خود را تباه ^۳

۱. علی‌نامه (منظومه‌ای کهن)، ابیات ۲۶۱-۲۵۸.

۲. همان، ابیات ۸۱۶۴-۸۱۵۲.

۳. همان، ابیات ۹۲۸۲-۹۲۴۴.

در ادامه، مصعب که پند برادر را فرا نمی‌گیرد، به اسارت سپاهیان امام علی(ع) می‌افتد و امام علی(ع) به همراهی امام حسن(ع) و امام حسین(ع) او را آزاد می‌کند؛ ربیع در ذکر این موارد نیز نقاط ضعف دشمنان امام علی(ع) را برجسته‌سازی می‌کند، و ابیاتی را در پشیمانی عبدالله بن زبیر از جنگ با علی بیان می‌کند.^۱ در جای دیگر نیز و به همین شکل، از اسارت سعد ابی‌وقاص به دست سپاهیان امام علی(ع) و آزاد شدن او با وساطت امام حسین(ع) سخن می‌گوید. ربیع در اینجا نیز با اشاره به روایتی منسوب به پیامبر(ص) — پیش‌گویی پیامبر(ص) که پس از او، سعد از عهد و پیمان‌ش به وی و دین اسلام بیرون می‌آید — مواردی از نقاط ضعف رقیب را برجسته‌سازی می‌کند.^۲

فرایند حاشیه‌رانی در گفتمان علی‌نامه

همانطور که گفته شد «غیر» اصلی در علی‌نامه، بنی‌امیه و مروانیان می‌باشد و غیریت‌سازی در مورد شخصیت‌هایی چون ابوبکر، عمر، عثمان و اصحاب جمل، با وجود این‌که در مقابل امام علی(ع) قرار گرفته‌اند، به صورت خفیف‌تری صورت می‌گیرد. حاشیه‌رانی مسئله‌ی خلافت، که یکی از مهم‌ترین عناصر گفتمان اهل سنت می‌باشد، و تحت الشعاع قرار گرفتن آن در برابر امامت از نکاتی است که در علی‌نامه به چشم می‌خورد. ربیع تنها در ابتدای منظومه و آنجا که از خلافت ابوبکر، عمر و عثمان سخن می‌گوید، از این عبارت به صورت متواتر استفاده می‌کند. وی امامت را نتیجه نص الهی و انتخاب پیامبر(ص) در غدیر خم دانسته در حالی که خلافت را نتیجه‌ی اختیار می‌داند.^۳ ربیع در ابتدای حرب صفین، به حوادث پس از فوت پیامبر(ص) اشاره می‌کند و با صراحت بیشتر به حاشیه‌رانی مسئله خلافت می‌پردازد و می‌گوید:

برون رفت از عالم مهر و کین	به وقتی که بد مصطفای امین
بکردند هر یک دگرگونه ساز	نکردند بر مصطفی خود نماز

۱. همان، ابیات ۱۰۴۳۰-۱۰۳۹۵.

۲. همان، ابیات ۱۰۵۰۷-۱۰۴۵۵.

۳. علی‌نامه (منظومه‌ای کهن)، ابیات ۷-۱۳.

سقیفه بکردند یکبارگی خلافت بجستند ز بی چارگی
 مهاجر و انصار در هم شدند ز بهر امامت به غم در شدند
 غدیر خم از جمله پوشیده نیست وز این در سخن نانیوشیده نیست
 ره نصّ بماندند و راه دگر طلب کرد هر یک امامی دگر^۱

از طرف دیگر، فرایند حاشیه‌رانی در منظومه *علی‌نامه*، مفاهیم حماسی و پیش از اسلامی را نیز در بر می‌گیرد؛ این موضوع نیز همانطور که در مقدمه‌ی این نوشتار گفته شد، به شرایط فرهنگی و اجتماعی دوران *علی‌نامه* باز می‌گردد. گفتمان شیعی *علی‌نامه*، عناصر و نشانه‌هایی را که مورد تأکید و یا انتخاب جناح مخالف - اهل سنت - باشد را رد کرده و به حاشیه می‌راند. درست زمانی که داستان‌گزاران اهل سنت به مفاهیم و نشانه‌های حماسی ایرانی دست گذاشته‌اند، *علی‌نامه* به طرد آنها می‌پردازد. ربیع در جایی از منظومه خود از تأثیر کرامیان سنی مذهب در رواج داستان‌های شاهنامه، در روزگار خود خبر می‌دهد و می‌نویسد:

به شه‌نامه خواندن مزین لاف تو نظر کن در آثار اشراف تو
 تو از رستم و طوس چندین مگوی درین کوی بیهوده گویان میوی
 که مغ‌نامه خواندن نباشد هنر علی‌نامه خواندن بود فخر و فر
 ره پهلوانان مکن آرزوی بیرهیز از راه بی‌دین روی
 که کرامیان از حسد را چنین کتابی نو انگیختند بعد ازین
 بماند ز تو یادگاری دراز میان خلایق بدان عز و ناز^۲

او معتقد است که کرامیان، به توطئه، شاهنامه را پر و بال داده‌اند تا یادکرد رستم و اسفندیار جای ذکر خاندان پیامبر(ص) را بگیرد. به همین سبب وظیفه خود می‌داند که کاری کند و می‌کند؛ تمام بضاعتش را در میان می‌نهد و *علی‌نامه* را می‌آفریند.^۳ گرچه *علی‌نامه* در شکل و محتوا به شدت تحت تأثیر شاهنامه فردوسی است،^۴ اما ربیع، جهت

۱. همان، ابیات ۲۴۷۴-۲۴۶۹.

۲. همان، ابیات ۲۹۸۲-۲۹۷۷.

۳. همان، مقدمه، صفحه بیست و هفت.

۴. نک: مقدمه کتاب *علی‌نامه*، موارد مشابه شاهنامه و *علی‌نامه*، صفحه سی.

غیریت‌سازی با گفتمان اهل سنت - و در اینجا به طور خاص کرامیان - نشانه‌های همسو با این گفتمان «غیر» را به حاشیه می‌راند و مفاهیم حماسی و پیش از اسلامی را طرد می‌کند:

مر این قصه را این سراینده مرد ز مهر دل خود علی‌نامه کرده
اگر چند شهنامه نغز و خوش است ز مغز دروغ است، از آن دلکش است
علی‌نامه خواند خداوند هوش ندارد خرد سوی شهنامه گوش
دروغ است آن خوب و آراسته به طبع هواجوی کش خواسته.^۱
و در جای دیگر می‌گوید:

علی‌نامه خواند زفان خرد که تا زو به هر دو جهان بر خورد
علی‌نامه را مایه از راستی ست سخن کاو دروغ آمد از کاستی ست^۲
از این رو، در فرایند حاشیه‌رانی، عناصر حماسی و پیش از اسلامی مانند رستم، اسفندیار، کیقباد و انوشیروان در برابر نشانه‌های گفتمان شیعی، طرد می‌شوند؛ جالب این‌که ربیع خود در منظومه به صراحت بر این نکته اشاره می‌کند:

ز شهنامه‌ی رستم و گیو و طوس شنیدی بسی زرق و هزل و فسوس
از آن نیست پذیرفته از صد یکی بر این کرده بر دین نیارد شکی
جهان آفرین تا جهان آفرید چو حیدر سواری دگر ناوید
اگر چند بد رستم او مردِ مرد چو گردی بدی با علی در نبرد
اگر عهد او در بدی روستم غلامیش را بنهادی سر بر قدم^۳
به همین دلیل ربیع به شکل هوشمندانه‌ای، جهت توصیف امام علی(ع) و یارانش، هیچ‌گاه به شخصیت‌های حماسی و پیش از اسلامی رجوع نمی‌کند و دقیقاً جهت توصیف مخالفان امام علی(ع)، از آن نشانه‌ها بهره می‌گیرد. برای مثال در توصیف عایشه می‌گوید:

حمیرا درون شد به قصر امیر به مانند کیخسرو و اردشیر^۴

۱. علی‌نامه (منظومه‌ای کهن)، بیت ۹۴.

۲. همان، ابیات ۶۷۶۰-۶۷۵۹.

۳. همان، ابیات ۴۸۲۴-۴۸۲۰.

۴. همان، بیت ۸۹۸.

و یا در توصیف معاویه و بارگاهش می‌نویسد:

ابر سیرت خسروان بزرگ بپیراست آن جای گرگ سترگ
بیوشید پس جامه‌ی خسروان نشست از بر گه چو نوشین‌روان^۱
در نمونه‌های دیگر، ربیع؛ عبدالله بن زبیر را به دیو مازندران،^۲ سپاه عایشه را به ارژنگ
دیو،^۳ شتر عایشه را به دیو،^۴ قصر معاویه در شام را به قصر کیقباد،^۵ سپاه معاویه را چو
دیوان مازندران^۶ و فردی از سپاهیان شام را به رویین تن^۷ تشبیه می‌کند.

نتیجه

علی‌نامه به عنوان یکی از حماسه‌های دینی - تاریخی، که در قرن پنجم هجری به نگارش درآمده است، در کنار بیان رویدادهای خلافت امام علی(ع) و با توجه به سازوکارهای گفتمانی، در پی اثبات حقانیت امام علی(ع) و تشیع می‌باشد. این مفهوم کلیدی، در مرکز گفتمان علی‌نامه قرار دارد و نشانه‌هایی چون: نص، امامت، ولایت، اولوالامر و غیبت پیرامون آن مفصل بندی شده است. غیریت سازی ربیع نیز در چارچوب مباحثات فکری و جدلی میان شیعیان و مخالفان در یک دوره طولانی تاریخی است. ربیع بر مبنای غیریت سازی با اهل سنت و به خصوص بنی امیه، دست به برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی مفاهیم و نشانه‌ها می‌زند. حاشیه‌رانی مفاهیم گفتمانی اهل سنت همچون خلافت و ادعای امامت آنها و همچنین برجسته‌سازی عناصر شیعی از مهم‌ترین فرایندهای گفتمانی علی‌نامه می‌باشد. در این بین و در حالی که فضائل خوانان سنی، متأثر از شاهنامه و شاهنامه‌خوانی، از عناصر حماسی و پیش از اسلامی در داستان پردازی بهره می‌گیرند، سراینده‌ی علی‌نامه - با وجود متأثر بودن اثرش از شاهنامه - این مفاهیم را به حاشیه رانده و به طرد آنها می‌پردازد.

۱. همان، ابیات ۲۷۹۰-۲۷۸۹.

۲. همان، بیت ۱۵۸۰.

۳. همان، بیت ۱۶۶۶.

۴. همان، بیت ۱۹۹۰.

۵. همان، بیت ۲۷۴۵.

۶. همان، بیت ۳۶۵۴.

۷. همان، بیت ۴۰۵۲.

فهرست منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (بی‌تا)، مناقب آل ابی طالب، قم: علامه.
- بیهقی، ابوالحسن علی بن زید، (۱۴۱۰ق)، لباب الأنساب و الأعتاب، تحقیق السید مهدی الرجائی، قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی.
- ربیع، (۱۳۹۰)، علی‌نامه (منظومه‌ای کهن)، تصحیح، رضا بیات و ابوالفضل غلامی، تهران: میراث مکتوب.
- سلطانی، سید علی اصغر، (۱۳۸۷)، قدرت گفتمان و زبان، تهران: نی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، «حماسه‌ای شیعی از قرن پنجم»، ضمیمه آینه میراث، دوره جدید، س هشتم، ۱۳۸۹، ضمیمه ۲۰.
- ضمیران، محمد، (۱۳۷۰)، ژاک دریدا و متافیزیک حضور، تهران: هرمس.
- کسرائی، محمدسالار و علی پوزش شیرازی، «نظریه گفتمان لاکلا و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، ش ۳، پاییز ۱۳۸۸.
- محقق حلی، جعفر بن حسن، (۱۳۷۱)، الرسائل التسع، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی.
- مجلسی، محمدباقر بنی، (۱۳۵۱)، بحار الانوار، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- منوچهری، عباس، (۱۳۹۰)، رهیافت و روش در علوم سیاسی، تهران: سمت.
- موسوی همدانی، سیدمحمد باقر، (۱۳۷۴)، ترجمه المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- هوارث، دیوید، «نظریه گفتمان»، ترجمه علی اصغر سلطانی، فصلنامه علوم سیاسی، س ۱، ش ۲، پائیز ۱۳۷۷.
- یورگسن، ماریان و لوئیز فیلیس، (۱۳۸۹)، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
- Ernesto, Laclau and Chantal Mouffe, (1985). *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics*. London. Verso, p 105.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی